

تشیع در دوره تیموری

اگر از حملات تیمور در دو دهه پایانی قرن هشتم و دهه نخست قرن نهم هجری و ویرانی های ناشی از آن در شرق و غرب اسلامی بگذریم، دوره تیموری در محدوده تاریخ ایران به ویژه خراسان بزرگ، دوره ای مهم و به نوعی قابل ستایش است. مهم ترین امتیاز این دوره، ادب و هنر و ریاضی و نجوم و نیز آثار معماری است که در گوشه و کنار این سرزمین بزرگ از آن دوره برجای مانده است.

در تقسیم بندی های معمول مذهبی، سلسله تیموری را نمی توان یک سلسله شیعی دانست، اما مسلماً یک سلسله سنی هم نیست، زیرا آثار شیعی فراوانی در این دوره، در متون ادبی و معماری وجود دارد که در تفسیری ویژه می توان آنها را عمیقاً شیعی دانست. خود تیمور یک سنی - صوفی با علائق شیعی است و گهگاه حساسیت هایی از خود نشان می داد که بوی تشیع از آن می آمد (برای نمونه بنگرید: تاریخ مغول، تیموریان، کاویناک: ۵۰).

اما اگر هم از عصر تیموری چیزی جز مسجد گوهرشاد باقی نمانده بود، باز هم می توانستیم بر وجود عناصر شیعی در این دولت به همان مسجد بسنده کنیم.

نکته مهم آن است که تمایزات میان گروه های مذهبی در این دوره، چندان واضح و آشکار نیست، در حالی که در دوره سلجوقی یا در دوره صفوی به عکس است. در این دوره، تشیع ملایم، برای دولت تیموری نه تنها قابل تحمل بود، بلکه خود نیز همراهی داشت. در حالی که موضع گیری صریح شیعی، چندان قابل تحمل نبود.

نکته دیگر آن است که در دوره شاهرخ (۸۰۷ - ۸۵۰)، مواضع ضد شیعی به دلیل برخی از فعالیت های سیاسی کسانی که منسوب به تشیع هستند، از جمله قاسم انوار و محمد نوربخش، بیش از دوره های بعدی است.

در این دوره بود که گوهرشاد مسجد معروف را کنار مزار امام رضا علیه السلام ساخت، اما شاهرخ ترجیح داد در این مسجد امام جماعت سنی بگمارد. یعنی همزمان با عنایت به حرم یک امام شیعه که مورد توجه شیعیان بود، از آن سوی، وزنه را به طرف سنیان متمایل سازد. در این دوره، به رغم سختگیریها، متصوفان شیعی در هرات حضور داشتند و طلبه های شیعه استرآبادی برای تحصیل ادبیات و علوم بلاغت و نجوم و ریاضیات به هرات سفر می کردند.

بیشترین آنچه درباره تشیع در دوره تیموریان می توان گفت مربوط به روزگار سلطان حسین بایقرا (۸۷۵ - ۹۱۱) است. درباره این سلطان به صراحت گفته شده است که زمانی شیعه

شد، اما پس از آن که واعظی بر سر منبری در هرات علیه مخالفان سخن سخت گفت، اوضاع در هم ریخت. گفته اند که این امیرعلیشیر نوایی بود که سلطان را بر سر تسنن حفظ کرد؛ در غیر این صورت سلطان شیعه امامی شده بود. سلطان حسین نسبت به قاسم فیض بخش فرزند سید محمد نوربخش، توجه خاصی داشت و این نشان از ارتباط درونی او با تشیع بود.

تشیع این دوره، براساس شواهد فراوان مکتوبی که در اختیار است، نوعی تسنن دوازده امامی است. این عقیده که در آن روزگار شایع بود، هرچند نه با این عنوان، حکایت از آن داشت که کسانی همزمان، خلفای سه گانه را با دوازده امام قبول دارند. این که چگونه این عقیده را برای خود توجیه می کردند، بر ما روشن نیست، اما آثار زیادی در ماوراءالنهر، ایران و عثمانی براساس همین باور نوشته شد.

بنای مرقد منسوب به امام علی علیه السلام در مزار شریف از سوی سلطان حسین بایقرا، روی دیگری از علائق شیعیانه اوست. سادات در تمام دوره تیموری محترم بودند، اما در این دوره، احترام آنان دو چندان شده بود. این سادات غالباً شیعه بودند. (بنگرید: معماری دوره تیموری در خراسان: ۱۹۳)

باید بدین نکته هم توجه داشت که هرات این زمان، یک مرکز علمی برای بخش بزرگی از جهان اسلام در شرق بود. این رونق علمی، نیازمند فضای مناسب تری بود که در دوره تیموری فراهم آمده بود. بسیاری از طلاب شیعه استرآباد نیز به هرات می آمدند تا در ادبیات عربی و فارسی و علوم چون نجوم و ریاضی تعلیم گیرند.

در واقع به همان مقیاس که دولت ترکمانان در غرب ایران، علائق شیعی داشت، دولت تیموری در شرق ایران تشیع می ورزید. این تشیع، البته به صورتی نبود که در دوره صفوی پدید آمد، اما در حد خود زمینه ساز دولت صفوی بود.

در میان برخی از امرای محلی تیموری، نام اسکندر سلطان (۷۸۶-۸۱۸) پسر عمر شیخ بهادر بن تیمور به عنوان یک شیعه امامی می درخشد. وی سالها حاکم فارس و فردی بسیار هنرمند و همدوست بود.

برخی از آثار هنری بر جای مانده از روزگار وی که به دستور او نقاشی شده، کاملاً شیعی است (تصویر را بنگرید: در هنر شیعی: ۸۵). دوران وی در فارس را عصر تولید کتاب می دانند. یک نقاشی که در آن تصویر پیامبر همراه با یازده امام کشیده شده از دوره تیموری بر جای مانده است (هنر شیعی: ۸۴).

در ادبیات مذهبی این دوره شامل آنچه که به نظم و نثر داستانی سروده و نوشته شده، عناصر شیعی فراوانی می توان دید. در بیشتر نوشته های داستانی مربوط به تاریخ صدر اسلام، امیرالمؤمنین جایگاه بسیار بالاتری در مقایسه با دیگران دارد. قصه شجاعتها و قهرمانی های امام علی (ع) بخش زیادی از ادبیات تاریخی - داستانی این دوره را به خود اختصاص داده است. در تصویرهای موجود در یکی از آثار حافظ ابرو، از دوران شاهرخ، تصویری از جنگ خیبر کشیده شده است که امام علی(ع) باب خیبر را از جای برداشته و به آن سوی می اندازد (هنر شیعی: ۸۰)

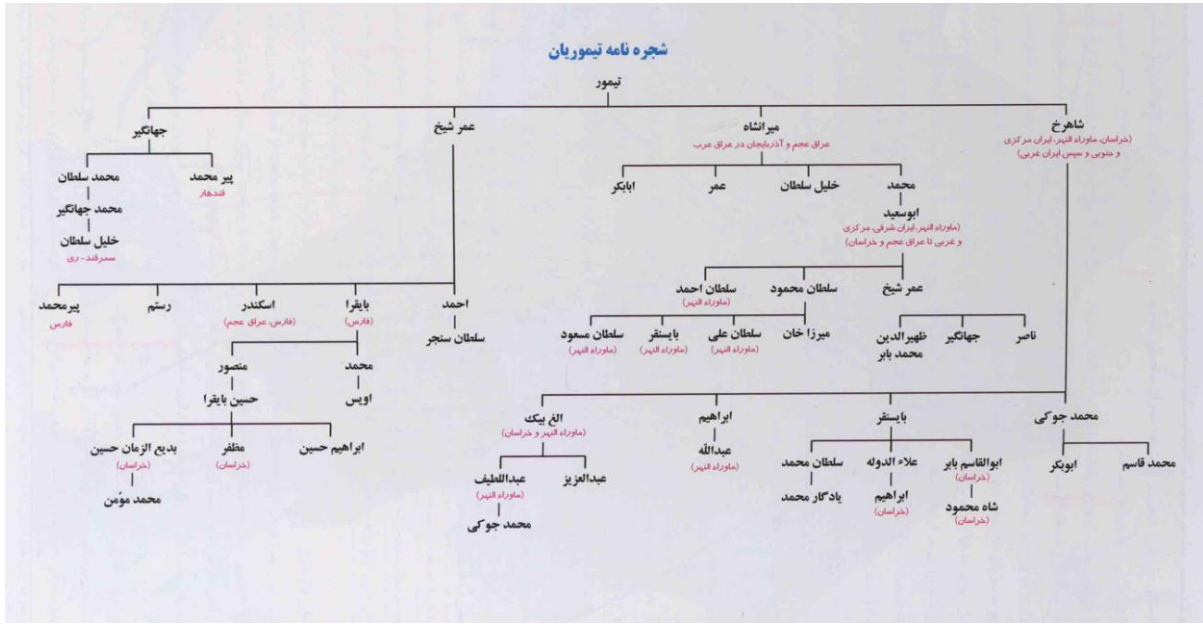
در آثار منظوم این دوره نیز، اهل بیت و در رأس آنان امام علی(ع) جایگاه مهمی دارد. حتی عبدالرحمان جامی (۸۱۷ - ۸۹۸) نیز که در تسنن تعصب دارد و با خلفای عثمانی نیز در ارتباط است، اشعار فراوانی در ستایش امام دارد. قصیده معروف او در وقت ورود به نجف یکی از معروف ترین اشعار اوست.

اصبحت زائر لک یا شحنة النجف ***بهر نثار مرقد تو نقد جان به کف

یکی از زیباترین آثار ادبی این دوره، کتاب روضة الشهداء اثر ملاحسین کاشفی (م ۹۱۰) عالم، مفسر و خطیب معروف شیعی هرات است که مورد احترام بزرگان این شهر از جمله سلطان حسین بایقرا بود. وی که در تشیع خویش بسیار معتدل بود، واقعه کربلا را به شکل داستانی اما در نهایت زیبایی ادبی نگاشت؛ کتابی که در تمام دوره صفوی در مجالس سوگواری خوانده می شد و به دلیل فراوانی خواندن آن، مجالس سوگواری را مجالس «روضه» نامیدند.

در این دوره از تاریخ خراسان، شاعران شیعی امامی بسیار استواری بودند که هزاران بیت شعر در مدح و ستایش اهل بیت سرودند. از آن جمله محمد بن حسام خوسفی (م ۸۷۵) است که امروز مزار او در همان خوسف در مرز ایران و افغانستان، زیارت گاه مؤمنان است. دیوان بزرگ وی نشان از نیرومندی ادبیات متعلق به اهل بیت در خراسان قرن نهم دارد. کتاب خاوران نامه او به قیاس شاهنامه درباره اهل بیت است.

نموار شجره نامه تیموریان



مولانا حسن سلیمی تونی (م ۸۵۴) از دیگر شاعران امامی خراسانی در دوره تیموری است که دیوان مفصلی حاوی اشعاری نغز در ستایش اهل بیت دارد.

در خراسان دوره تیموری، پایتخت تشیع امامی شهر سبزوار است و عالمان و شاعران فراوانی از جمله خواجه اوحد سبزواری (م ۸۶۸) در ستایش اهل بیت (ع) شعر می سرودند. تشیع سبزوار، تشیعی کهن بود و معارف اهل بیت را در خراسان، برای مدتها این شهر حفظ می کرد. حسن بن حسین شیعی سبزواری در اواخر عصر سربداران و در آغاز دوره حملات تیمور، از عالمان برجسته این شهر بود که کتابهایی در تاریخ اهل بیت (ع) نگاشت.

با آمدن صفویه در ایران و انحلال تیموریان در خراسان و آغاز حکومت ازبکهای متعصب، اوضاع خراسان در هم ریخت و هرات صحنه خونین منازعات مذهبی شد.

امیران تیموری - سال های حکومت

تیمور ۷۷۱-۸۰۷

خلیل سلطان فرزند میرانشاه ۸۰۷-۸۱۲

شاهرخ فرزند تیمور ۸۰۷-۸۵۰

آلغ بیگ فرزند شاهرخ ۸۵۰-۸۵۳

عبداللطیف فرزند الغ بیگ ۸۵۳-۸۵۴

عبدالله شیرازی نواده شاهرخ ۸۵۴-۸۵۴

میرزا بابر فرزند بایسنقر ۸۵۲-۸۶۱

ابوسعید فرزند سلطان محمد ۸۵۵-۸۷۳

احمد فرزند ابوسعید در سمرقند ۸۷۳-۸۹۹

محمود فرزند ابوسعید در سمرقند ۸۹۹-۹۰۰

سلطان حسین بایقرا نواده عمر شیخ ۸۷۵-۹۱۱